

اصول لفظی

تعاریف:

لفظ قالب معنی و برای شناختن دومی شناختن اولی لازم است.
بمعنی منطق: لفظ عبارت از صوتی است که از دهان برآید و به معنائی

دلالت کند.

لفظ یا مفرد است یا مرکب، در حال مفرد آنرا کلمه و در حال مرکب آنرا کلام

نامند.

لفظ و کلمه را مترادف نیز دانند.

کلمه یا لفظ مفرد باعتبار معنی بر پنج گونه است:

جزئی که بر یک فرد دلالت کند، آنرا خاص هم گویند مانند حسن،

کلی که بر افراد زیاد دلالت دارد، آنرا عام هم نامند مانند مرد،

متباین که معنی لفظ مخالف معنی لفظ دیگر باشد مانند سفید و سیاه،

مشترک که یک لفظ دارای چند معنی باشد مانند بار که گویند هفده معنی دارد

و از آن جمله است: دفعه، اجازه، میوه و غیره.

مترادف که چند لفظ دارای یک معنی باشد مانند انسان و بشر، دلیری و

گردی .

تبصره - بسیاری از دانشمندان اصول مترادف را در يك زبان و يك زمان و از طرف يك واضع امر واقع نمی‌دانند و حق اینست که مترادف بسته به واضع و زمان ممکن است پدید آید و الا تکلف است که برای يك معنی چند لفظ وضع کنند.

حقیقت و مجاز :

هر لفظی در برابر معنایی وضع شده که آنرا معنی حقیقی یا واقعی نامند و اگر در استعمال، لفظ از معنی اصلی و حقیقی خود عدول و به معنی دیگری دلالت کند آنرا مجاز یا معنی مجازی نامند.

عدول لفظ از معنی حقیقی به معنی مجازی در نتیجه وجود یکی از رابطه‌های ذیل بین دو معنی حاصل میشود :

۱- رابطه صفت و موصوف یا رابطه وصفی مثل شیر که معنی حقیقی آن حیوان درنده مشهور است که به شجاعت متصف است و از آن برای مرد دلیر که در وصف شجاعت با شیر رابطه وصفی دارد در معنی مجازی استفاده کنند، مانند آنکه بگویند شیری را دیدم، یعنی مرد دلیری را دیدم.

۲- رابطه جزء و کل مانند سر، که نام اندام خاصی از پیکر انسان است، و اگر بگویند چند سر عائله داری؟ مراد چند نفر است.

۳- رابطه حال و محل مانند اینکه گویند از محل تحقیق کردم و حال آنکه از اهل محل تحقیق کرده.

۴- رابطه مشابهت مانند اینکه گوئی دانش و هنر گنج است و گنج یعنی دانش و هنر بی رنج بدست نیاید.

۵- روابط دیگر مانند مجاورت، سببیت، شرطیت و نظائر اینها را هم ذکر کرده و حتی گفته‌اند رابطه بین معنی حقیقی و مجازی محصور و محدود نیست و بلکه

میزان وملاك آن ذوق سليم واستعمال است . النهايه وجود قرينه، اين را بطهرا برقرار
ميسازد مانند باران سخن، سيل دشنام، سران لشکرو نظائر اينها.
همين قرينه است که مثلا در جمله شیری را دیدم باید گفته شود که خون از
شمشیرش میچکد یا از نبرد سرفراز باز میگذشت یا باشیر مردان میجنگید.

افاده حقیقت:

اصل در استعمال لفظ، حقیقت است؛ یعنی اصالة الحقیقه در بکار بردن کلمه
جاری است، باین معنی اگر در معنی لفظ تردید کنند که حقیقی است یا مجازی، باید
آنها بمعنی حقیقی گرفت تا بر مجاز قرینه‌ای موجود باشد.

با این حال در اصول، علائمی برای آن ذکر کرده اند که عبارتست از:

الف - تبادل که همواره معنی حقیقی از لفظ متبادر به ذهن میشود (التبادر آیه
الحقیقه). بنا بر این آن معنی که پیش از دیگر معانی بذهن گذرد معنی حقیقی لفظ
باشد.

ب - اطراد که لفظ در برابر معنایی که بکار رفته بر تمام افراد شامل باشد مانند
از احمد پرس که میتوان گفت از حسین، از بیژن و نظائر اینها ولی اگر گفته شود از ده
پرس دیگر اطراد به باغ، مرغزار و نظائر اینها ندارد و معلوم است که مجازی است
یعنی از اهل ده پرس. در عربی مثال زده اند: اسئل القریه و گفته اند که نمیتوان گفت
اسئل البستان وغیره.

ج - عدم صحت سلب که معنی حقیقی قابل سلب از لفظ مورد استعمال نیست
مانند استعمال شیر در حیوان درنده شجاع که نمیتوان این معنی را از لفظ شیر سلب نمود
ولی اگر معنی مجازی باشد میتوان آنرا سلب کرد و در باره مرد دلیر گفت؛ شیر نیست و
ازین جهت گفته شده که: عدم صحة السلب امارة الحقیقه.

د - اصل عدم نقل که چون ندانی که کلمه‌ای از معنی حقیقی به معنی دیگر
نقل شده یا نه چنان گیر که نقل نشده است تا دلیلی بر خلاف فرض تو پدید آید.

افاده عموم :

افاده عموم یا اطلاق اینست که لفظ دلالت بر عموم افراد دارد و باین جهت بر تخصیص و تقیید باید دلیل یا اماره و قرینه ای باشد مانند اینکه هر کس مکلف یا هر شخصی باید.... باین جهت گویند: هر لفظ عام محمول بر عموم است تا قطع به تخصیص و تقیید حاصل کنیم.

حقیقت لغوی و اصطلاحی :

با وجود اصالة الحقیقه که معنی لفظ محمول بر حقیقت لغوی است حقیقت اصطلاحی هم که در دانش دین و حقوق به حقیقت شرعی و حقیقت قانونی نامگذاری شده جزء حقایق لغویه در آمده است، یعنی به نقل شارع یا مقنن یا اهل اصطلاح معنی لفظ از حقیقت لغوی به حقیقت اصطلاحی در آمده است مانند کلمه های بسیار فراوانی که دانش دین و دانش حقوق از لغت گرفته است، مثل زکوة، صلوٰة، حج، عقد، ایقاع، قیاس و صدها نظائر اینها.

حقیقت اصطلاحی را منقول هم نامند، زیرا از معنی لغوی به معنی اصطلاحی نقل شده است و آنرا بدو گروه حقیقت شرعی و حقیقت عرفی (که شامل همه اصطلاحات متعارف نزد عامه و خاصه و ارباب دانش است) تقسیم کرده اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی